ماجرای حاشیه‌های «شورای تحول و ارتقای علوم انسانی» که هر روز دامنه‌دارتر می‌شود

آوردگاه علوم انسانی

موافقان: خود دانشگاه‌ها کم‌کاری کردند

شورای تحول اسلامی‌سازی، بومی‌سازی، غنی‌سازی و کارآمدی علوم اجتماعی را انجام می‌دهد

منتقدان: علوم انسانی و اجتماعی به تحول نیاز دارند اما نه اینگونه! حاکمیت باید چتر بی‌اعتمادی را از سر این حوزه بردارد

عکس: صبا راد

مهدی یساولی- روزنامه‌نگار| ماجرای تحول در علوم انسانی که از چند سال پیش در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شده، در ایستگاه علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی، اکنون حساسیتی بسیار برانگیخته است. از تابستان ۱۳۹۵ خورشیدی بدین‌سو، پس از جلسه‌ای که دکتر غلامرضا جمشیدیها رئیس کارگروه جامعه‌شناسی شورای تحول علوم انسانی با مدیران گروه‌های جامعه‌شناسی دانشگاه‌های سراسر کشور در تهران برگزار کرد تا به تعبیر خودش «پیش‌نویس اولیه» طرح تحول برنامه‌ریزی درسی رشته جامعه‌شناسی را با آنان در میان بگذارد، تاکنون چندین نامه سرگشاده و گفت‌وگوی رسانه‌ای در تشریح و موافقت یا انتقاد از این فرآیند منتشر شده است. واپسین کار انجام‌شده در این زمینه، نشستی است که روز شنبه ۷ اسفند ۱۳۹۵ در دانشگاه خوارزمی، پردیس کرج با حضور موافقان، منتقدان و مخالفان برنامه تحول علوم انسانی به ویژه علوم اجتماعی و رشته جامعه‌شناسی برگزار شد. اتحادیه انجمن‌های علمی علوم اجتماعی کشور و انجمن علمی دانشجویی جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی با همکاری انجمن جامعه‌شناسی ایران در برنامه‌ای با نام «تحول در علوم انسانی؛ ضرورت‌ها و روش‌ها» دکتر غلامرضا جمشیدیها عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و رئیس کارگروه جامعه‌شناسی شورای تحول علوم انسانی را در کنار، شاید هم در برابر دکتر محمدامین قانعی‌راد، عضو هیات علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران نشاندند تا هم نقدهای اساسی خود را بر این کار مطرح کنند، هم زمینه‌ای فراهم آورند تا این دو نفر نظرهای خود را در محورهای مطرح‌شده نشست بیان دارند. پرونده پیش رو، سه بخش را دربرمی‌گیرد؛ یک، نظرهای اتحادیه انجمن‌های علمی علوم اجتماعی کشور که یکی از اعضای اتحادیه در قالب متنی، پیش از آغاز مناظره خواند، دو، نظرهای دو میهمان موافق و منتقد و سرانجام، رخدادنگاری و چکیده گفت‌وگوها و نامه‌های سرگشاده چند ماه اخیر که با موضوع تحول سرفصل‌ها و عنوان‌های درسی رشته جامعه‌شناسی در رسانه‌ها منتشر شده است. با این یادآوری که ماجرا به نظر نمی‌رسد همینجاها پایان یابد. روزنامه شهروند، در آینده نیز به این مساله می‌پردازد و می‌کوشد روایتگر نگاه‌های گوناگون دو سوی ماجرا در ماه‌های آینده نیز باشد.

۱
اتحادیه انجمن‌های علمی علوم اجتماعی

پرسش‌هایی از جنس دغدغه و آرمان

«تحول در علوم انسانی» موضوع مورد توجه اتحادیه انجمن‌های علمی علوم اجتماعی کشور و انجمن جامعه‌شناسی ایران است. در وهله نخست به علوم اجتماعی و مسایل خاص آن می‌پردازیم اما سپس مساله را به علوم انسانی می‌توانیم تعمیم دهیم. اوایل تابستان ۱۳۹۵ خبرها و گزارش هایی درباره ورود شورای تحول و ارتقای علوم انسانی برای ایجاد تغییرهایی در عنوان‌های درس‌های علوم اجتماعی به گوش رسید. این خبرها به ویژه ابهام‌هایی همراه آن بود، که نگرانی‌هایی را میان اعضای اتحادیه انجمن‌های علمی علوم اجتماعی کشور و انجمن جامعه‌شناسی ایران برانگیخت. اتحادیه سیزدهم تیر نامه‌ای به انجمن جامعه‌شناسی ایران فرستاد که در آن آمده بود «تنها مصوباتی مورد قبول بدنه علمی دانشگاهی کشور خواهد بود که حاصل خرد جمعی اهالی دانشگاه باشد». از آن تاریخ بدین‌سو سلسله رخدادهایی پیش آمد و نظرهایی بیان شد. بخش‌هایی از این صحبت‌ها و تضارب آرا در متنی که اعضای اتحادیه مهیا کردند بازتاب داده و در کانال تلگرامی انجمن نیز گذاشته شد. مجموعه‌ای آن رخدادهای بدین‌ترتیب بود؛ در تیرماه یک فایل پی‌دی‌اف به مدیران گروه‌های جامعه‌شناسی دانشگاه‌های سراسر کشور داده شد که در آن عنوان‌های درس‌های رشته جامعه‌شناسی تغییرهایی مهم کرده بود. نخستین جلسه رسمی که در این‌باره با مدیران گروه‌های جامعه‌شناسی برگزار شد اما به هفدهم آذر ماه بازمی‌گشت. ریاست این جلسه هم برعهده دکتر غلامرضا جمشیدیها بود. بیش‌تر حاضران یعنی مدیران گروه‌ها در آن جلسه با پاره‌ای از تغییرهای مورد نظر کارگروه در عنوان‌های درسی مخالفت کردند. دکتر سیامک زند رضوی در یادداشتی عنوان کردند دکتر جمشیدیها در پاسخ به این پرسش که «چرا این برنامه برای بررسی در اختیار انجمن جامعه‌شناسی ایران قرار نگرفته است» تنها به «فراموشی» اشاره کرده‌اند. دکتر قانعی راد بیست و پنجم آذر در گفت‌وگو با روزنامه شهروند در این‌باره گفتند این تصمیم‌گیری‌ها در دست یک گروه محدود و انحصاری است و نگاه حاکم نیز بخش‌نامه‌ای، دستوری و ایدئولوژیک به شمار می‌آید و این نگاه مشکل پدید می‌آورد.

دکتر سراج‌زاده نیز در همان زمان در گفت‌وگو با روزنامه شرق گفتند «تغییر اگر یک فرآیند طبیعی و از سوی افرادی که صلاحیت دارند انجام شود، پذیرفتنی است و در دنیای علم با توجه به تغییرات اجتماعی جهان و رویدادهای تازه‌ای که مطرح می‌شود، اصولا باید تغییراتی در برنامه‌ها و دروس صورت پذیرد. تا هم منابع بازبینی و هم دروس کم و زیاد شود». نهاد دانشگاه یا وزارت علوم از نظر ایشان مراجع صاحب صلاحیت برای ایجاد چنین تغییراتی‌اند. دکتر جمشیدیها در گفت‌وگو با روزنامه شرق گفتند شورا برای تحول، نخست کار را به دانشگاه‌های علامه طباطبایی و دانشگاه تهران سپرده بود اما چون از جانب این دو نهاد کاری صورت نگرفت خود کارگروه متولی این مساله شد. ایشان گفتند بر اساس چهار معیار «بومی‌سازی»، «اسلامی‌سازی» «به‌روز بودن» و «کارآمد بودن» کار رو پیش برده‌اند.

استادانی دیگر از جمله دکتر اعتمادی‌فرد و دکتر فاضلی در همین زمان نیز در این‌باره اظهار نظر کردند. دکتر فاضلی معتقدند «اگر حرف‌های اعضای شورای تحول در علوم انسانی، گرایش‌های سیاسی و موضع‌های دولتی‌شان را ردیابی کنید، کل این شورای تحول بازنمود یک قرائت سیاسی خاص است و سیاست آنها بر علم‌شان می‌چربد». ایشان گفته‌اند در بند یکم آیین‌نامه آمده است «ما تلاش می‌کنیم تا علوم انسانی را بر مبانی نظری نظام جمهوری اسلامی ایران بنا کنیم»؛ خب بنا بر استدلال ایشان چنین رویکردی علوم اجتماعی را به ایدئولوژی تبدیل می‌کند و مشکلاتی دیگر بر سر راه علم می‌گذارد. انجمن جامعه‌شناسی ایران نیز پنجم بهمن نامه‌ای سرگشاده به رییس جمهور نوشت که گفت‌وگوها را به سطحی دیگر وارد کرد. اعضای انجمن در این نامه نوشته بودند «به طور کلی انجمن جامعه‌شناسی ایران فرآیند، روش و نتایج این بازنگری را برای علوم اجتماعی ایران مثبت ارزیابی نمی‌کند و بر این باور است که عملی‌شدن این تصمیم‌ها به جهت پشتوانه ضعیف کارشناسی و علمی آن و عدم مقبولیت فرآیند و سازوکار انجام این بازنگری نزد اجتماع علمی دانشگاهی منجر به نتایج نامطلوبی در کیفیت آموزش این رشته خواهد شد». دکتر جمشیدیها اما در گفت‌وگو با روزنامه وقایع اتفاقیه این اقدام انجمن را «جار و جنجال سیاسی» توصیف کردند و گفتند «من نمی‌دانم چرا انجمن جامعه‌شناسی چنین مسائلی را مطرح می‌کند. این کار، علمی نیست. من هم کنار این اساتید در دانشکده بوده‌ام، می‌توانستند ببینند و نقدشان را مطرح کنند. مسأله این است که اینها دنبال مسائل دیگری هستند که ربطی به مسائل علمی ندارد». ایشان همچنین تاکید کردند «ما دموکراتیک‌ترین روش را برای برنامه‌ریزی در علوم اجتماعی انتخاب کردیم». دکتر زند رضوی نیز همزمان، در گفت‌وگو با آن روزنامه بیان داشتند چنین تغییراتی باید درون اجتماعی علمی انجام شود و در پاسخ به ادعای دکتر جمشیدی‌ها درباره دموکراتیک‌بودن رویکرد کارگروه تصریح کردند «اینکه ایشان می‌گوید دموکراسی این است نمی‌دانم تعبیرشان از دموکراسی چیست. بخشی از پروژه دموکراسی، پاسخگویی به گروه ذی‌نفع در ساختارهای علمی و اجتماعی است. کسانی که از بیرون رشته می‌خواهند برای آن اظهارنظر کنند، آیا اساسا صلاحیت این کار را دارند و می‌توانند برای آن تعیین تکلیف کنند؟ ... وقتی آشکار است که این کارگروه به درون اجتماع علمی پاسخگو نیست آیا انتظار دارند که افراد درون رشته دور ایشان جمع شوند و به فراخوان‌هایشان پاسخ دهند؟ شما می‌خواهید کسانی به شما نزدیک شوند که شما با شیوه عملکردتان به سرعت از آنها دور می‌شوید و به جای دیگری پاسخ می‌دهید».

دکتر سراج‌زاده نیز در گفت‌وگویی دیگر، ایراد اساسی مساله را «تفکیک علوم انسانی از نظام کلی آموزش عالی کشور و بردن آن به جای دیگر» برشمرده و تاکید کرده‌اند این ایراد باید اصلاح شود. دکتر جمشیدیها اما در گفت‌گوی دیگر با روزنامه شهروند برخی از این انتقادها و اعتراض‌ها را ناشی از نبود آگاهی کافی از فرآیندهای موجود و اقدامات انجام‌گرفته دانسته‌اند. ایشان همچنین در ۲۵ بهمن در پاسخ به نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران به ریاست جمهوری، باز به همکاری‌نکردن استادان دانشگاه‌های علامه طباطبایی و تهران اشاره کرده، یادآور شده‌اند «کارگروه همواره آمادگی و نیاز خود را برای همکاری با دانشگاه‌های ایران اسلامی اعلام کرده و در این راستا برخی از موارد را تماما به آنها واگذارده است».

یک، اکنون پرسش‌هایی که اتحادیه مطرح می‌کند این است «اساسا آیا اکنون در علوم انسانی و به پیروی از آن در علوم اجتماعی به تحولی دگرگون‌کننده نیاز است؟ اگر آری، این تحول در چه حوزه‌هایی با چه مکانیسم‌هایی باید صورت گیرد؟ دو، آیا تغییر در عنوان‌ها و سرفصل‌های درس‌ها برای این منظور گزینه‌ای مناسب برشمرده می‌شود؟ سه، آیا شورای تحول مشروعیت لازم برای ایجاد چنین تغییراتی را دارد؟ و سرانجام چهار، نقش انجمن جامعه‌شناسی ایران به عنوان بزرگ‌ترین نهاد دموکراتیک که استادان علوم اجتماعی را نمایندگی می‌کند، در این میانه چیست؟

۲
دکتر غلامرضا جمشیدیها، رییس کارگروه علوم اجتماعی شورای تحول و ارتقای علوم انسانی:

محتوای درسی جامعه‌شناسی دانشگاه‌ها با جامعه ما همخوانی ندارد

در آغاز تاریخچه‌ای در این‌باره می‌گویم. در سال ۱۳۸۴ یا ۱۳۸۵ در کمیته برنامه‌ریزی علوم اجتماعی وزارت علوم کار می‌کردم. دلیل حضور در آن نیز مشخص بود، چون آن زمان رییس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بودم. در آن کمیته برنامه‌هایی که می‌آمد، روش کار آنگونه بود که دو سه نفر، من، دکتر پناهی، دکتر سام‌آرام و از رشته‌هایی متفاوت چون تاریخ و تربیت بدنی نیز در آن کمیته بودند، مسایل را بررسی می‌کردیم. پس از پنج شش سال که من در آن کمیته بودم، شورای تحول در سال ۱۳۸۸ تاسیس شد. به نظرم با وجود چیزهایی که می‌تواند جزو دلایل باشد، به نظرم دلایل تشکیل شورای تحول، ناکارایی دانشگاه‌ها بود، یعنی دانشگاه‌ها کاری ویژه انجام نداده، کارهایشان روی زمین مانده بود. هر برنامه درسی طبق مصوبات وزارت علوم باید هر پنج سال یک‌بار بازنگری شود. وقتی شورای تحول تشکیل شد یکی از کارگروه‌های آن کارگروه علوم اجتماعی بود. کارگروهی که در وزارت‌خانه بود و من خود نیز عضو آن بودم بدین‌ترتیب با شورای تحول تلفیق شد. دوستانی که در آن کمیته بود به شورای تحول آمدند، برخی دوستان نیز نیامدند که خب شاید علاقه‌شان نبود و نبودشان به هیچ دلیل خاص نبود. کارگروه جامعه‌شناسی شورای تحول نیز در سال ۱۳۹۰ تشکیل شد. دکتر پارسانیا پیش از من مسئول کارگروه بودند که از قم می‌آمدند و بعدها به دلیل مشغله کاری نیامدند و من بدین‌ترتیب مسئول کارگروه شدم. برنامه‌ها در کارگروه به دو شکل تاسیسی یا بازنگری برنامه‌ها از دانشگاه‌ها باشد. نخستین کارهایی که به من سپردند، دو پروژه به شمار می‌آمد که در گذشته نیز در حال انجام بود. یک، کاری بود که به دانشگاه علامه طباطبایی سپرده بودند. آن‌ها از آنجا برنامه را برای ارزیابی به ما دادند و ما نپذیرفتیم. گفتم طبق قواعد اینگونه نیست، دلیل عمده‌ام هم این بود که همه رشته‌ها در جامعه‌شناسی فروکاسته می‌شد و دیگر رشته‌ها از میان می‌رفت. دلایل دیگر هم داشت که در اسناد شورای تحول موجود است. کار دوم که برای ارزیابی به ما دادند برنامه‌ای بود که به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای سرفصل‌نویسی داده بودند. آن را هم برای ارزیابی به ما دادند و ما نپذیرفتیم که موجب شد خیلی هم از دست‌مان ناراحت شوند. تقریبا از نیمه سال ۱۳۹۱ منتظر بودیم دانشگاه علامه طباطبایی اصلاحات خواسته‌شده ما را انجام دهد. به اندازه‌ای تاخیر کرد که گروه ارتباطات از ما جدا شد و شورای تحول کارگروهی دیگر برای آن برگزید. مددکاری اجتماعی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی باقی ماند. ما به‌طور منطقی سه سال منتظر ماندیم. این زمان برای ما که مسئولیت داشتیم کم نیست، در حالی که و کارگروه‌های دیگر همواره کارهایشان را پیش می‌بردند و من سه سال حوصله کردم. این شکیبایی تا سال ۱۳۹۴ به درازا کشید. دولت جدید که روی کار آمد، اوایل ماه مهر ۱۳۹۴ با مدیرکل مربوطه در وزارت علوم صحبت کردیم و گفتیم دانشگاه علامه پاسخ برنامه را نداده است. گفتیم اشکال ندارد به دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌دهیم که آن‌ها برنامه را بازنویسی کنند. هیچ علاقه شخصی نداشتم که خودم برای همه برنامه بنویسم. معتقدهم نبودم و هنوز هم نیستم. برنامه را به دانشگاه تهران دادیم که یکی دو جلسه برگزار کردند ولی بعد ادامه ندادند. در سال ۱۳۹۵ به آن‌ها اعلام شد نتیجه کار را بگویید؛ پاسخ ندادند چون کاری انجام نداده بودند. یعنی من پس از حدود ۴ سال تحمل، دیدم کسی کاری انجام نداده است. به من گفتند تو مسئول کارگروهی، چرا کاری انجام نمی‌دهی. به لحاظ شخصیتی به من برخورد. فکر می‌کردند ما توانمندی علمی و کاری نداریم. گفتیم اشکال ندارد خودمان انجام می‌دهیم. نخستین کاری که باید انجام می‌دادم و در نامه‌ام به رییس جمهور

در پاسخ به انجمن جامعه‌شناسی نیز نوشتم، این بود که ما باید این را تجمیع می‌کردیم. تجمیع، هم در دولت پیش هم در دولت کنونی مطرح بوده است و اکنون نیز همه پذیرفته‌اند. همه معتقدند رشته‌های علوم اجتماعی باید در یک رشته متمرکز شوند، مثل گذشته که علوم اجتماعی بود. رشته‌های ذیل علوم اجتماعی که در دفترچه کنکور می‌آمد هفت رشته بیش‌تر نبود. از این‌ها برخی مانند خدمات اجتماعی و مددکاری اجتماعی مشابه بودند. نامه‌ای به شورای تحول نوشتم و گرایش‌ها و رشته‌های هفت‌گانه را به چهار رشته مستقل تبدیل کردم. اصلا امکان ندارد اینگونه بشود. شما بروید از کارگروه‌های اقتصاد، علوم سیاسی و روان‌شناسی بپرسید؛ آن‌ها یک رشته دارند. در نخستین اقدام، گرایش‌های علوم اجتماعی را به رشته ارتقا دادم. به همین دلیل دیگر پژوهشکده علوم اجتماعی را در سامانه وزارت علوم نمی‌بینید و جامعه‌شناسی می‌بینید. جامعه‌شناسی دیگر مستقل است، مردم‌شناسی و معرفت اجتماعی و برنامه‌ریزی اجتماعی و تعاون هم یک رشته مستقل‌اند. اکنون چهار رشته تصویب شده که باید برایشان برنامه تنظیم شود. دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفت برنامه‌ریزی مددکاری اجتماعی را انجام دهد. این کار انجام شد و ما هم کمک کردیم. برنامه‌ریزی اجتماعی و تعاون نیز میان دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی مشترک بود. آن‌ها برنامه‌ای نوشته‌اند که باید همایش آن را بگذاریم، اظهار نظر کنیم و یکی دو جا هم آن را ببینند؛ این کار سرانجام تا پس از عید انجام خواهد شد و مشکلی نیست. رشته مردم‌شناسی را نیز چون دانشگاه تهران، دانشگاه مادر در این زمینه بود، پذیرفت انجام دهد. تنها رشته‌ای که کسی حاضر نشد برایش فداکاری کند، جامعه‌شناسی بود. شما خودتان را جای من بگذارید، پس از چهار سال حوصله، به عنوان مسئول یک کارگروه چه باید می‌کردم؟ ما برای بازنگری، برنامه همه دانشگاه‌های بزرگ جهان را زیر و رو و درس‌هایشان را ثبت کردیم و در کارگروه آوردیم. جالب این که درس‌هایی که ما می‌خوانیم آن‌ها اصلا نمی‌خوانند، همه درس‌ها با جامعه خودشان هماهنگ است. ما یک پیش‌نویس اولیه آماده کردیم. طبق دستورالعمل شورای تحول ما نمی‌توانیم برنامه را تصویب کنیم مگر این که نظر همه دانشگاه‌ها را بخواهیم. پیش‌نویس اولیه را در جلسه همایشی که برگزار کردیم، بردیم. اعضا نظر ما را خیلی تغییر دادند و ما پذیرفتیم. مثلا زبان را حذف کرده بودیم، چون کار ما آموزش زبان نیست، ولی اعضای جلسه گفتند باید باشد. پذیرفتیم. در ویرایش نخست، خیلی از درس‌ها را اصلاح کرده، بازگرداندیم. البته برخی درس‌ها را هم مثل جامعه‌شناسی محیط زیست و جامعه‌شناسی کارآفرینی افزوده بودیم. آن جلسه پایان یافت و ما هنوز جمع‌بندی ویرایش نخست را نداشتیم که دریافتیم آن ویراست نخست که اصلا سندیت نداشت، اما نخست میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی، سپس در سراسر ایران توزیع شد و فریاد برآمد که وانفسا جامعه‌شناسی از میان رفت، در حالی که آن اصلا سندیت نداشت چون باید ویرایش نهایی در شورای تحول تصویب می‌شد و سپس مورد موافقت وزارت علوم قرار می‌گرفت تا در سامانه وزارت‌خانه جای گیرد. مهم نیست چه کسی این کار را کرد. انجمن جامعه‌شناسی بدین‌ترتیب سطح مساله را از یک مساله کارگروهی به مساله‌ای ملی تبدیل کرده، به آقای رییس جمهور نامه‌ای نوشت. ما هم اندکی صبر کردیم و سپس پاسخی دادیم. به هرروی، هر دانشگاه علاقه‌مند است مسیر را ادامه بدهد هیچ اشکال ندارد، به وزارت‌خانه نامه بنویسد و به شورای تحول بفرستد. من هم موافقم که جریان از پایین از دانشگاه‌ها بیاید و این خیلی مناسبت‌تر و پذیرش آن هم بهتر است. بر خلاف آنچه گفته می‌شود آنچه در شورای تحول می‌گذرد، روند غیر دموکراتیک نیست زیرا ۲۶ دانشگاه رشته جامعه‌شناسی دارند و دانشگاه‌های آزاد و پیام نور هم یک نماینده دارند. ۲۸ نماینده باید در آن جلسه همایش نخست مامی‌آمدند، حدودا ۲۴ نفر بودند که ۲۰ نفرشان نماینده دانشگاه‌ها بودند و امضاهایشان نیز موجود است. البته ممکن است نماینده دانشگاه یک شهر هم نیامده باشد. به هرروی به لحاظ رای‌گیری دموکراتیک، تعداد آرا، نصف به اضافه یک، افراد آمده بودند. مسیر را تا اینجا پیموده‌ایم. ویرایش دوم را نیز برای همه دانشگاه‌ها فرستاده و هنوز تصمیم قطعی نگرفته‌ایم که بگوییم نهایی است. اعضای شورای تحول نیز همه عضو هیات علمی دانشگاه‌های مختلف‌اند؛ از دانشگاه‌های خوارزمی، شیراز، اصفهان، مشهد گرفته تا حوزه و دانشگاه علامه طباطبایی و تهران؛ کسانی نیستند که به علوم اجتماعی آشنا نباشند. من به عنوان مسئول کارگروه یا حتی شورای تحول، موکدا می‌گویم هیچ‌یک در پی گرفتن همه چیز در چنبره خودشان اصلا نیستند. ما باید طبق قواعدی کاری کنیم که هیچ‌گاه آن‌ها را نمی‌شکنیم. کار اساسا بدون قواعد و مبتنی برشخصی‌سالاری نیست.

انجمن جامعه‌شناسی بدین‌ترتیب سطح مساله را از یک مساله کارگروهی به مساله‌ای ملی تبدیل کرده، به آقای رییس جمهور نامه‌ای نوشت ... بر خلاف آنچه گفته می‌شود آنچه در شورای تحول می‌گذرد، روند غیر دموکراتیک نیست

نیاز به تحول علوم انسانی، به اندازه‌ای روشن است که شاید به توضیح نیاز نداشته باشد. شما در درس‌هایتان می‌خوانید که علوم انسانی به ویژه علوم اجتماعی دارای زمینه‌هایی اجتماعی و فرهنگی‌اند. بنابراین سخنی که در یک شرایط تاریخی گفته شده باشد ممکن است در شرایط دیگر تاریخی به کار نیاید. یک مثال عینی می‌زنم. در دوران انقلاب که دانشجوی کارشناسی بودم و در جریان انقلاب هم قرار داشتم و رخدادها را از نزدیک دیدم و دوستان‌ام شهید شدند، دیدم ما هیچیک از این حرف‌های جامعه‌شناس‌ها را نمی‌توانیم بیرون بزنیم. تنها جامعه‌شناسی که از حرف‌هایش بهره می‌بردم و می‌توانستم در روستا یا شهر خودم بزنم، دکتر علی شریعتی بود. هیچ‌کس دیگر نبود؛ امام خمینی البته جایگاه ویژه خود را دارد و آن یک بحث دیگر است اما از جامعه‌شناسان فقط حرف‌های شریعتی را می‌توانستم بزنم ولی از دورکهایم نمی‌توانستم برای مردم محله‌ام بگویم. جامعه‌شناسان اصلا با انقلاب دینی مخالف بودند. این تاثیرنگذاشتن به این معنا بود که محتوا با جامعه ما همخوانی ندارد. شما دانشجویان چیزهایی را در دانشگاه می‌خوانید و نمره بیست می‌گیرید اما این تا

۳
رخدادنگاری پیشینه یک چالش حاکمیتی و دانشگاهی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی

نامه سرگشاده اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی علوم اجتماعی خطاب به رییس انجمن جامعه‌شناسی ایران /انصاف‌نیوز/ ۱۳ تیر ۱۳۹۵

* چند سالی است نظام دانشگاهی ایران و به ویژه علوم انسانی آن با بحث‌هایی مواجه است که تحت عنوان «تحول در علوم انسانی» ... به صورت ابلاغ‌های دستوری پیگیری می‌شوند. ... علوم اجتماعی که یک سر در پی تبیین جریاناتی است که در آن کنشگری جمعی مردمان را به‌عنوان بازیگران اصلی و برسازندگان نظم‌های اجتماعی تصدیق می‌کند و تأیید کننده جریانات از پایین به بالا است، چگونه تن به این تغییرات و مداخلات دستوری و خارجی می‌دهد.

* مساله امروز و اولویت فعلی با فرض تن دادن به سازوکارهای کنونی، تصمیماتی است که از درون نهادهای تعیین شده برای این امر، به تصویب می‌رسد و خارج می‌شود و به تغییرات عینی و محسوس در عرصه علوم اجتماعی بدل می‌شود.

* نگرانی آنجاست که این مداخلات برآمده از مناسبات درون میدان علم اجتماعی نبوده و حاصل مباحثات متعدد و علمی کنشگران مختلف عرصه دانش اجتماعی از اساتید و محصلان این علوم گرفته تا انجمن‌های تخصصی علمی و صاحب‌نظران گوناگون این حوزه و در یک کلام حاصل چند صدایی برآمده از ماهیت دانش اجتماعی –انسانی نیست.

دکتر غلامرضا جمشیدیها، رییس کارگروه علوم اجتماعی شورای تحول و ارتقای علوم انسانی در گفت‌وگو با روزنامه وقایع اتفاقیه/ ۷ مهر ۱۳۹۵

* این تغییر، فقط در عناوین بوده و ما با طرح درس کاری نداریم. به علاوه، هنوز چیزی ابلاغ نشده. یک پیش‌نویس اولیه، مدتی قبل تهیه شد و ما در جلسه‌ای که هفدهم آذر برگزار شد، درباره آن با مدیران گروه‌ها که از سراسر کشور به وزارت علوم آمدند، صحبت کردیم.

* درس‌ها همان درس‌های قبلی است. من نمی‌دانم چرا انجمن جامعه‌شناسی چنین مسائلی را مطرح می‌کند. این کار، علمی نیست. من هم کنار این اساتید در دانشکده بوده‌ام، می‌توانستند ببینند و نقدشان را مطرح کنند. مسئله این است که اینها دنبال مسائل دیگری هستند که ربطی به مسائل علمی ندارد.

* یک پیش‌نویس اولیه را آماده کرده و در معرض دید عموم دانشگاه‌ها قرار داده و گفته‌ایم این روندی است که ما طی کردیم. ... انجمن جامعه‌شناسی ... این جار و جنجال‌ها را به راه انداخته است.

* می‌گویند اینها همه‌اش تبلیغات است و ما دموکراتیک‌ترین روش را برای برنامه‌ریزی در علوم اجتماعی انتخاب کردیم.

دکتر سیامک زند رضوی، عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران در گفت‌وگو با روزنامه وقایع اتفاقیه/ ۷ مهر ۱۳۹۵

* آنچه تاکنون در راستای تحول در علوم انسانی اتفاق افتاده، چه در سال‌های دهه ۶۰ و بعد از انقلاب فرهنگی و چه در سال‌های اخیر، یک ویژگی مشترک دارد؛ اسم درس‌هایی را خط می‌زنند و اسم درس‌هایی را می‌نویسند بدون اینکه فرایندی را که گفتم در آن رعایت شده باشد.

* افرادی که این تغییرات را پیگیری می‌کنند ممکن است از استادان دانشگاهی دلسوز باشند اما «همه چیز را همگان دانند»... اینکه ۱۵ نفر بنشینند و فعالیتی را انجام دهند با اینکه حدود ۶۰۰ عضو هیأت‌علمی و ۵۰ دانشکده و گروه آموزش... در کنار آنها انجمن جامعه‌شناسی به‌عنوان یک سازمان مردم‌نهاد منتخب ورود پیدا کند، قاعدتا کارشان از این ۱۵ نفر بهتر و قوی‌تر خواهد بود.

* ایراد ... برنامه ... این است که تغییرات از درون رشته اتفاق نیفتاده، دیگر اینکه سازوکار تغییرات از درون رشته مورد توجه قرار نگرفته و نکته مهم‌تر اینکه منحصر شده به یک کار فرمالیستی و صوری که نه قابل دفاع است و نه از لحاظ سازوکار می‌توانیم آن را بپذیریم.

* اینکه ایشان [دکتر جمشیدیها] می‌گوید دموکراسی این است نمی‌دانم تعبیرشان از دموکراسی چیست. بخشی از پروژه دموکراسی، پاسخگویی به گروه ذی‌نفع در ساختارهای علمی و اجتماعی است.

* اگر دانشگاه‌ها استقلال داشته باشند با توجه به ظرفیت‌ها و مسائل محیطی‌شان نسبت به تغییراتی که باید در علوم انسانی صورت بگیرد، اقداماتی را در درون دانشگاه انجام می‌دهند.

دکتر غلامرضا جمشیدیها رییس کارگروه علوم اجتماعی شورای تحول و ارتقای علوم انسانی در گفت‌وگو با روزنامه شرق/ ۲۸ آذر ۱۳۹۵

* برای تغییر و تحول معیارهایی را وزارت علوم در اختیار ما قرار داده و ما روی آن کار می‌کنیم و آن بحث بومی‌سازی، اسلامی‌سازی، به‌روزبودن و کارآمدبودن مورد نظر ما در این طرح است. بنابراین ما براساس این چهار معیار و حفظ ساختار دروس، کار را پیش برده‌ایم. ... مشکل جامعه ما محیط زیست است، آیا باید درس محیط زیست را مدنظر قرار دهیم؟ معلوم است باید قرار دهیم چون برای جامعه ما حائز اهمیت است.

دکتر سیدحسین سراج‌زاده رییس انجمن جامعه‌شناسی ایران در گفت‌وگو با روزنامه شرق/ ۲۸ آذر ۱۳۹۵

* تغییر اگر یک فرایند طبیعی و از سوی افرادی که صلاحیت دارند انجام شود، پذیرفتنی است ... منتها بحثی